

## معانی مجازی در قرآن مجید

(بخش اول) | یعقوب جعفری

تلاش برای دستیابی به مفاهیم بلند قرآن کریم، یکی از ضرورت‌های مسلم برای هر مفسر یا مترجمی است که انس با قرآن دارد؛ مفاهیمی که در قالب الفاظ عربی ریخته شده و اگر از آن الفاظ عبور کنیم، مهمان معانی شگفتی خواهیم شد.

هرچند - به قول جاحظ - همواره لفظ در برابر معنا کم می‌آورد، ولی اعجاز قرآن در این است که از همین الفاظ و تعبیرهای موجود، کاخی بلند از معانی ساخته و ما را به تدبر در آن فراخوانده است. هر مفسر یا مترجمی از این جنبه قرآن غفلت کند، دچار خطای عظیمی شده که کمترین ضرر آن محروم کردن خواننده از مفاهیم بلند قرآن است.

یکی از ابزارهای مهم در ساختن این کاخ بلند، به کارگیری الفاظ و تعبیرهایی است که با عبور از معانی اولیه آنها، معانی تازه‌ای به دست می‌آید و این همان چیزی است که به آن «مجاز» می‌گوییم که در لغت به معنای عبور کردن و یا محل عبور است.

معلوم است که استفاده از معنای مجازی در ادبیات پیش از نزول قرآن هم رایج بوده و ظاهراً در تمام زبانهای دنیا مشابه آن وجود دارد، ولی قرآن کریم آن را به طور ویژه به کار برده و به وسیله آن، معانی بسیاری را در قالب الفاظی اندک بیان کرده است، به گونه‌ای که انسان در برابر آن شگفت زده می‌شود، و شگفت‌آورتر اینکه گاهی یک تعبیر مجازی به کار رفته که تاب چندین معنا را دارد و مخاطب‌های گوناگون، بسته به استعداد و ظرفیت فکری خود می‌توانند از آن معانی جدیدی به دست آورند.

## □ معانی مجازی در قرآن مجید

به دلیل اهمیت ویژه این مطلب، از دیرباز دانشمندان اسلامی بحثهای گسترده‌ای در این باره کرده‌اند و حاصل آن کتابهای ارزشمندی است که تحت عنوان «مجازات قرآن» یا «غریب القرآن» و یا هر عنوان دیگری، برای ما به یادگار گذاشته‌اند، که به طور اجمال از آنها یاد خواهیم کرد.

### وجود مجاز در قرآن

برخی از حشویه و تنی چند از شافعیان و مالکیان، وجود مجاز در قرآن را رد کرده‌اند به این گمان که مجاز برادر دروغ است و ساحت قرآن از آن مبرا است.<sup>۱</sup> ولی انصافاً انکار مجاز در قرآن مانند انکار خورشید در وسط روز است و اساساً وجود مجاز در قرآن، بیشترین سهم را در اعجاز بیانی قرآن دارد و به گفته زرکشی: «اگر قرآن به این دلیل از مجاز خالی باشد، باید از تأکید، حذف، استعاره و مانند اینها هم خالی باشد، و اگر در قرآن مجاز نباشد، زیباییهای قرآن ساقط می‌شود».<sup>۲</sup>

عبدالقاهر جرجانی پدر علوم بلاغت در این باره می‌گوید:

«هر کس در مجاز قدحی وارد کند و آن را دروغ پندارد، خبط عظیمی کرده است». سپس می‌افزاید: «قرآن کریم همان گونه که مفردات کلمات را تغییر نداده، در اسلوب هم بر اساس اسلوب مردم سخن گفته و چیزهایی را که رایج بوده مانند: تشبیه، تمثیل، حذف و اتساع به کار برده است».<sup>۳</sup>

همچنین ابن قتیبه به منکران مجاز در قرآن به شدت تاخته و آنان را مشتئی نادان دانسته که دچار سوء نظر و کج فهمی شده‌اند.<sup>۴</sup>

باید گفت: حمل برخی از کلمات و تعبیرهای قرآن بر معانی مجازی، نه تنها ممکن بلکه گاهی ضروری است و ما اگر در تمام آیات قرآن به معنای ظاهری کلمات بسنده کنیم، به محظورات و اشکالات غیر قابل حلی گرفتار می‌شویم، مانند: جسم بودن خدا، دروغ بودن برخی تعبیرات، امر به محال و ...

۱. سیوطی، الاتقان، ج ۳، ص ۱۰۹.

۲. زرکشی، البرهان، ج ۲، ص ۲۵۵.

۳. عبدالقاهر جرجانی، اسرار البلاغة، ص ۳۶۱-۳۶۳.

۴. ابن قتیبه، تأویل مشکل القرآن، ص ۹۹.

اینکه می‌گویند مجاز نوعی دروغ است، سخنی بس نارواست. وقتی کسی می‌گوید: زید شیر است و منظور او شجاع بودن اوست، هیچ عاقلی گوینده را متهم به دروغ‌گویی نمی‌کند. بدون شک مجاز در قرآن یکی از عناصر مهم بلاغت قرآن است و در آیات فراوانی از آن استفاده شده که به ذکر برخی از آنها خواهیم پرداخت. بنابراین، بحث از اینکه آیا در قرآن مجاز وجود دارد یا نه، بحث زایدی است که بیش از این درباره آن سخن نباید گفت.

### سیر تاریخی بحث از معانی مجازی در قرآن

اشاره کردیم که استفاده از معانی مجازی در ادبیات عرب به زمانی پیش از نزول قرآن بازمی‌گردد و ما در اشعار جاهلی، نمونه‌های بسیاری از آن داریم، و گفتیم که به کارگیری مجاز در قرآن حالت ویژه‌ای دارد و یکی از جنبه‌های اعجاز بیانی قرآن است.

توجه به معانی مجازی به مفهوم عام آن در آیات قرآنی قدمتی به قدمت خود قرآن کریم دارد و می‌بینیم که شخص پیامبر (ص) و نیز ائمه (ع) و صحابه و تابعین در مواردی آن را ذکر کرده‌اند.

قابل ذکر است که منظور از مجاز در اینجا مفهوم عام آن است و مجاز اصطلاحی که در برابر حقیقت قرار دارد اصطلاح متأخری است که ظاهراً از زمان عبدالقاهر جرجانی مصطلح شده است. پیشینیان به هر نوع معنایی که فراتر از ظاهر لفظ به دست آید، مجاز می‌گفتند و آن شامل استعاره، تمثیل، کنایه و هر معنای خاصی است که با توجه به عام و خاص، مطلق و مقید و مانند آنها به دست می‌آید.

نمونه‌های فراوانی از این موارد وجود دارد که از پیامبر و ائمه و صحابه و تابعین نقل شده است. چند مورد از آنها را به عنوان نمونه نقل می‌کنیم:

۱. عبدالله بن مسعود نقل می‌کند: <sup>۱</sup> «چون آیه شریفه «الَّذِينَ آمَنُوا وَ لَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْرُ وَ هُمْ مُهْتَدُونَ» (انعام، ۸۲) نازل شد، بر مردم گران آمد و گفتند: یا رسول الله، کدام یک از ما به خویشتن ظلم نکرده است؟ حضرت فرمود: آنچنان نیست که شما فکر می‌کنید، آیا نشنیده‌اید سخنی را که آن بنده صالح (لقمان) گفت: «يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» (لقمان، ۱۳)

## □ معانی مجازی در قرآن مجید

۲. امیرالمؤمنین علی (ع) درباره این آیه: «وَاللَّهُ يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ» (بقره، ۱۰۵) فرمود: رحمت در اینجا به معنای نبوت است.<sup>۱</sup>

۳. ابن عباس درباره «حُطُوتِ الشَّيْطَانِ» (بقره، ۱۶۸) گفت: منظور از «حُطُوتِ» اعمال اوست.<sup>۲</sup>

۴. سعید بن جبیر درباره «فَشَرَّدَ بِهِمْ مَنْ خَلَفَهُمْ» (انفال، ۵۷) گفت: معنای «شَرَّدَ»، «انذر» است (یعنی بترسان).<sup>۳</sup>

از این نمونه‌ها در کتابهای تفسیری و حدیثی فراوان وجود دارد و در واقع توضیح برخی از کلمات است که در آیه مورد نظر، به معنای ظاهری خود نیست بلکه بنا به قراین درونی یا بیرونی معنای خاصی می‌دهد.

بعدها دانشمندان اسلامی در این باره به طور گسترده بحث کردند و نمونه‌های بسیاری را در آیات قرآنی ارائه نمودند و به بیان مفهوم آن پرداختند، به طوری که می‌توان «مجازات قرآن» را به عنوان یک علم از علوم قرآن شمرد.

همچنین کتابهای بسیاری در این باره نوشته شد که برخی از آنها تحت عنوان «مجازات القرآن» تألیف شده است مانند:

مجازات القرآن، قطرب نحوی، محمد بن احمد (متوفی ۲۰۶ ق)

مجازات القرآن، فراء یحیی بن زیاد (متوفی ۲۰۷ ق)

مجاز القرآن، ابو عبید، معمر بن مثنی (متوفی ۲۰۹ ق)

النکت فی مجازات القرآن، علی بن عیسی الرمانی (متوفی ۲۸۴ ق)

مجاز القرآن، عزین عبدالسلام (متوفی ۸۵۰ ق)

تلخیص البیان فی مجازات القرآن، سید رضی (متوفی ۴۰۴ ق)

برخی از کتابها هم عنوان «غریب القرآن» را دارند، مانند:

غریب القرآن، ابن قتیبه دینوری (متوفی ۲۷۶ ق)

غریب القرآن، ابو زید بلخی (متوفی ۳۲۲ ق)

۱. مجمع البیان، ج ۱، ص ۳۴۴.

۲. تفسیر طبری، ج ۲، ص ۳۰۸.

۳. همان، ج ۸، ص ۳۰.

غریب القرآن، ابو جعفر رستم الطبری (زنده در قرن چهارم)

غریب القرآن، قاسم بن سلام (متوفی ۲۲۴ ق)

در کتابهای فهرست، مانند فهرست ابن ندیم و کشف الظنون و... از کتابهای بسیاری تحت عنوان «غریب القرآن» نام برده شده است و شاید بتوان گفت که نخستین کتاب را در این زمینه ابان بن تغلب کوفی (متوفی ۱۴۱ ق) که از شاگردان امام صادق (ع) بوده نوشته است. نجاشی نام این کتاب را تفسیر غریب القرآن ذکر کرده است.<sup>۱</sup>

برخی از این کتابها نیز عنوان «معانی القرآن» دارند، مانند:

معانی القرآن، زجاج ابواسحاق بن ابو ابراهیم (متوفی ۳۱۰ ق)،

الابانة فی معانی القرآن، ابو محمد مکی بن ابی طالب (متوفی ۴۳۷ ق)،

معانی القرآن، احمد بن محمد النحاس (متوفی ۳۳۸ ق)،

معانی القرآن، احمد بن یحیی الثعلب (متوفی ۲۹۱)

همچنین کتابهایی با عنوان معانی القرآن به اخفش، ابن عاصم، ابن درستویه، ابن کیسان، کسایی و دیگران نسبت داده شده است.<sup>۲</sup>

علاوه بر سه عنوان یاد شده، کتابهای دیگری نیز در این زمینه نوشته شده و عنوان دیگری مانند مشکل القرآن یا متشابه القرآن دارد. نیز در غالب تفاسیر قرآن، مورد به مورد، به این مطلب اشاره شده است.

از میان کسانی که در این باره کارهای ارزشمندی کرده و این بحث را به صورت علمی مطرح نموده‌اند، از چند نفر به صورت ویژه یاد می‌کنیم.

۱. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم دینوری (متوفی ۲۷۶ ق)، مؤلف کتاب تأویل مشکل القرآن. او

در این کتاب سعی می‌کند به ملحدانی که در اثر سوء فهم به آیات قرآن طعن می‌زنند، پاسخ دهد. به نظر او تمام اشکالاتی که درباره آیات قرآن مطرح می‌شود، برخاسته از بی‌توجهی به معنای واقعی کلام خداست، و لذا در مقدمه کتاب می‌گوید: می‌خواستم با تألیف این کتاب، آنچه را که بر مردم مشتبه است، روشن کنم.<sup>۳</sup>

۱. رجال نجاشی، ص ۱۱.

۲. رجوع شود به: حاجی خلیفه، کشف الظنون، ج ۲، ص ۱۷۳.

۳. ابن قتیبه، تأویل مشکل القرآن، ص ۲۳.

## □ ۹ معانی مجازی در قرآن مجید

به نظر می‌رسد که یکی از مخاطبان او در این کتاب - به گفته خودش - ملحدانی هستند که از ترجمه قرآن استفاده می‌کنند و دچار اشتباه می‌شوند، چون در جایی از این کتاب می‌گوید: کسی نمی‌تواند قرآن را به زبان دیگر، درست ترجمه کند، زیرا در زبانهای دیگر معانی مجازی مانند زبان عربی گسترده نیست؛ آنگاه آیاتی را به عنوان شاهد مثال می‌آورد، از جمله: «وَإِنَّمَا تَخَافَنَ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةٌ فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ» (انفال، ۵۸) و «فَقَضَرْنَا عَلَيْهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا» (کهف، ۱۱) و تأکید می‌کند که این گونه آیات قابل ترجمه نیست، مگر اینکه کسی مفهوم آن را تقریر کند.<sup>۱</sup>

ابن قتیبه در این کتاب، مطالب را دسته‌بندی می‌کند و باب مفصلی هم برای مجاز باز می‌کند و در آغاز آن اظهار می‌دارد که بسیاری از مردم به علت بی‌توجهی به مجاز، در تأویل قرآن به اشتباه افتاده‌اند.<sup>۲</sup>

ابن قتیبه دینوری کتابی نیز به نام تأویل مشکل الحدیث دارد که آن را بعد از تأویل مشکل القرآن نوشته است.

۲. سید رضی محمد بن الحسین (متوفی ۴۰۴ ق) مؤلف کتاب تلخیص البیان فی مجازات القرآن.

هرچند پیش از سید رضی، کتابهای متعددی با عناوین مختلف درباره مجازات قرآن نوشته شده و ما به برخی از آنها اشاره کردیم، ولی حقیقت این است که تلخیص البیان با شیوه خاصی که دارد، نخستین کتاب منظم و متقن در این موضوع است. به عقیده شیخ عبدالحسین حلی که بر کتاب تلخیص البیان مقدمه‌ای نگاشته، مانند این کتاب در موضوع خودش کتاب دیگری نوشته نشده است.<sup>۳</sup>

سید رضی با تبحر و ویژه‌ای که در ادبیات عربی داشت، کارهای مهمی انجام داد که جمع‌آوری نهج البلاغه و دیوان شعرش، از آن جمله است، ولی تألیف کتاب تلخیص البیان کاری بس عظیم بود که در طول تاریخ به عنوان یک کتاب منبع، مورد استفاده دانشمندان تفسیر و علوم قرآنی بوده و هست.

۱. همان.

۲. همان، ص ۶۹.

۳. تلخیص البیان، مقدمه، ص ۳۰.

امتیاز ویژه تلخیص البیان در این است که به ترتیب سوره‌های قرآن پیش رفته است؛ از این رو مراجعه‌کننده به راحتی می‌تواند آیه مورد نظر خود را در آن بیابد.

شیوه سید رضی چنین بوده که در هر سوره‌ای فقط مواردی را که به نظر او معنای مجازی دارد، توضیح داده و از بقیه آیات صرف نظر کرده است. حتی در برخی سوره‌ها هیچ مطلبی ذکر نکرده و گفته است: در این سوره چیزی که مورد نظر ماست یافت نشد.<sup>۱</sup> او در بیان معانی مجازی گاه به اشعار شاعرانی چون امرء القیس، نابغه ذبیانی، ذوالرّمه و عنتره استشهد کرده است.

سید رضی در جایی که کتابش پس از بیان مطالبی که در توضیح آیه آورده، عبارت «اللهم اعلم» را به کار برده که دلالت بر حزم و احتیاط او دارد که مبادا چیزی را بر کلام خدا تحمیل کند.

وی علاوه بر تلخیص البیان، کتابی دیگری نیز در تفسیر قرآن به نام حقائق التأویل فی مشابیه التنزیل دارد که در کتاب دیگرش المجازات النبویة از آن به عنوان کتاب کبیر یاد می‌کند و تفصیل مطلب را به آن ارجاع می‌دهد.<sup>۲</sup> این کتاب آنچنان با اهمیت بوده که خطیب بغدادی درباره آن گفته است: «رضی کتابی در معانی قرآن نوشته که تألیف مانند آن سخت دشوار است».<sup>۳</sup> این کتاب در ده جزء نوشته شده که فقط جزء پنجم آن در دست است و بقیه اجزاء مفقود شده است. این جزء برای اولین بار توسط منتدی النشر در نجف اشرف به چاپ رسید که از آیه هفتم سوره آل عمران شروع می‌شود و ذیل آن بحثهای سودمندی درباره «مشابهات» و «علم تأویل» و «راسخون» مطرح می‌کند.<sup>۴</sup>

۳. عبدالقاهر جرجانی (متوفی ۴۷۳) مؤلف کتابهای اسرار البلاغة و دلائل الاعجاز

عبدالقاهر جرجانی، به حق پدر علم معانی و بیان است. او به خصوص درباره حقیقت و مجاز به تفصیل بحث نموده و اصولی را تأسیس کرده است. مجاز اصطلاحی به معنای خاص آن از ابداعات اوست و شاید او نخستین کسی است که مجاز را به دو قسم عقلی و لغوی

۱. مانند سوره‌های عبس و انفطار.

۲. المجازات النبویة، ص ۲۵.

۳. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۲، ص ۲۴۶.

۴. حقائق التأویل، ص ۸.

تقسیم و فصل مستغلی برای آن باز کرد.<sup>۱</sup>

او مواردی را که در آیات قرآنی، فعلی به چیزی نسبت داده شده که نمی‌تواند فاعل آن باشد، مجاز عقلی و به تعبیر دیگر مجاز حکمی معرفی کرده است.<sup>۲</sup> این در حالی است که پیش از وی آن را استعاره می‌دانستند. او با این روش لطیفی را از آیات قرآنی استخراج کرده که نمونه‌هایی از آن را ذکر خواهیم کرد.

۴. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد (متوفی ۵۰۲ق) مؤلف کتاب مفردات غریب

القرآن.

شاید بتوان گفت که تا زمان راغب اصفهانی کتابی با این جامعیت و دقت همراه با شیوه‌ای آسان درباره‌ی الفاظ و مفردات قرآن نوشته نشده است. این کتاب از آنچنان ارزشی برخوردار است که تقریباً مستند همه‌ی کسانی بوده است که پس از راغب در تفسیر و علوم قرآنی کار کرده‌اند.

راغب در این کتاب، نخست معنای حقیقی کلمه را می‌آورد، آنگاه معانی مجازی آن را همراه با شواهد قرآنی بیان می‌کند و ارتباط آنها را با معنای حقیقی مشخص می‌سازد. این کاری بس بزرگ است و از ژرف‌نگری و دانش سرشار او حکایت می‌کند. به گفته‌ی صفوان داودی: زمخشری در تألیف اساس البلاغة تحت تأثیر شدید راغب اصفهانی بوده و همان شیوه‌ی مفردات القرآن را دارد.

از سمین حلبی نقل شده که به راغب اصفهانی ایراد گرفته که او در کتاب خود، از برخی کلمات که معانی مشکلی دارند غفلت کرده و آنها را نیاورده است.<sup>۳</sup> ولی به نظر می‌رسد که این ایراد چندان وارد نیست، چون حدود سه قرن میان او و راغب فاصله‌ی زمانی وجود داشته و معلوم است که در طول این مدت تغییراتی در استعمال واژه‌ها اتفاق می‌افتد. چیه بسا واژه‌هایی که در زمان راغب معنای مشهوری داشته و نیازی به توضیح آنها نبوده و در طول این مدت در میان مردم مهجور شده و برای افرادی مانند سمین حلبی فهم آن دشوار بوده است. یادآوری می‌شود که نام کتاب در نسخه‌ی چاپی که در اختیار ما بود، مفردات غریب القرآن

۱. عبدالقاهر جرجانی، اسرار البلاغة، ص ۳۷۶.

۲. عبدالقاهر جرجانی، دلائل الاعجاز، ص ۲۹۳.

۳. حسن فرحات، معاجم مفردات القرآن، ص ۴۳.



است ولی حاجی خلیفه از آن به مفردات الفاظ القرآن نام برده و شیخ آغا بزرگ تهرانی هر دو تعبیر را ذکر کرده است.

پس از علمای گذشته، دانشمندان بعدی نیز کار آنها را دنبال کردند و بر آن افزودند، و ما اکنون میراث‌دار گنجینه‌ای غنی از آثار مربوط به معانی مجازی در قرآن هستیم که برخی از آنها به صورت کتابهایی مستقل اند و برخی هم در کتابهای علوم قرآنی ذکر شده‌اند.

### تعریف مجاز

کلمه «مجاز» از «جاز، يجوز» به معنای عبور کردن است، و نیز مقدار راهی است که طی می‌شود؛ گفته می‌شود: «جاز الموضع مجازاً» یعنی از آن محل گذشت. به خود آن محل هم مجاز گفته می‌شود.<sup>۱</sup> بنابراین واژه «مجاز» گاه به صورت مصدر میمی و گاه به صورت اسم مکان استعمال می‌شود. معنای اصطلاحی مجاز، از همین اصل لغوی گرفته شده که عبور کردن از معنای ظاهری یک واژه به سوی معنای دیگر است.

چنان‌که اشاره کردیم، مجاز اصطلاحی در زبان متقدمان معنای عامی داشته و به هر گونه معنایی در ورای لفظ گفته می‌شده، ولی بعدها در معنای محدودتری به کار رفته و در مقابل حقیقت قرار گرفته است.

ظاهراً این تحول در معنای مجاز توسط عبدالقاهر جرجانی صورت گرفت. او مجاز را چنین تعریف می‌کند:

«هر کلمه‌ای که از آن معنایی جز آنچه واضع وضع کرده است اراده شود و مناسبتی میان معنای دوم و معنای اول باشد، مجاز است».<sup>۲</sup>

سکاکی نیز تعریفی مشابه دارد با این تفاوت که او اضافه می‌کند که در مجاز باید قرینه‌ای باشد که مانع از آن شود که معنای حقیقی مراد باشد.<sup>۳</sup>

بنابراین، مجاز در اصطلاح متأخران معنایی است که متکلم لفظ را در آن به کار می‌برد در حالی که آن لفظ در اصل برای آن معنا وضع نشده بلکه معنای جدیدی است که به وسیله قراین مختلف فهمیده می‌شود.

۱. رجوع شود به: ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، ص ۳۲۶ و تاج العروس، ج ۱، ص ۳۶۹۳.

۲. جرجانی، اسرار البلاغة، ص ۳۲۵.

۳. سکاکی، مفتاح العلوم، ص ۱۷۰.

### □ معانی مجازی در قرآن مجید ۱۳ □

هرچند استعمال الفاظ در معانی مجازی در همه زبانها متصور است، ولی به نظر می‌رسد این کار در زبان عربی به صورت گسترده‌ای صورت می‌گیرد. سیوطی می‌گوید: آن وسعتی که عرب در مجاز دارد در غیر عرب نیست.<sup>۱</sup>

جاحظ می‌گوید: عربها اقدام به سخن گفتن می‌کنند و به فهم مخاطب اعتماد می‌کنند. مثلاً می‌گویند: «اکل المال = مال را خورد» و منظورشان از بین بردن مال است؛ همان گونه که خداوند می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا» (نساء، ۱۰) در حالی که تلف کنندگان اموال یتیمان فقط آن را نخورده‌اند بلکه از آن برای خود لباس هم تهیه کرده‌اند.<sup>۲</sup>

بحث درباره مجاز و انواع و احکام و شرایط آن بحث مفصلی است که علم بیان متکفل آن است و ما وارد آن بحثها نمی‌شویم و فقط به یکی از تقسیمات مجاز اشاره می‌کنیم که در فهم معانی مجازی آیات قرآن سودمند است:

معنای مجازی به یک اعتبار به دو قسم تقسیم می‌شود: (۱) مجاز عقلی (۲) مجاز لغوی. مجاز عقلی یا اسناد مجازی، عبارت است از نسبت دادن یک فعل به چیزی که نمی‌تواند فاعل آن باشد. و مجاز لغوی استعمال یک لفظ در غیر معنای حقیقی آن است که باید همراه با قرینه صارفه باشد. در واقع، مجاز عقلی مربوط به یک جمله و مجاز لغوی مربوط به یک کلمه است.

هرچند مجاز عقلی را سکاکی انکار کرده و آن را از باب استعاره به کنایه دانسته است، ولی محققان سخن او را رد کرده‌اند.<sup>۳</sup>

مجاز عقلی و لغوی هر دو در آیات قرآنی فراوان به کار رفته‌اند که ما در اینجا چند نمونه از آن را می‌آوریم و تفصیل مطلب را به آینده موکول می‌کنیم.

۱. در داستان موسی و خضر آمده است: «فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَنْ يَنْقَضَ» (کهف، ۷۷). در این آیه اراده به دیوار نسبت داده شده است در حالی که دیوار نمی‌تواند اراده کند، بلکه معنای آن به صورت مجازی این است که نزدیک بود دیوار بشکند.

۱. سیوطی، المزهج، ج ۱، ص ۹۹.

۲. به نقل ثعالبی در فقه اللغة، ج ۱، ص ۸۵.

۳. تفتازانی، مختصر المعانی، ج ۱، ص ۳۷.

۲. در آیاتی مانند: «الرَّحْمَنُ عَلَى الْعَرْشِ اسْتَوَى» (طه، ۵)، «وَجَاءَ رَبُّكَ وَ الْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا» (فجر، ۲۲) فعل «استواء» و «مجئی» را نمی توان به رحمان و رب نسبت داد، چون لازم می آید که خدا جسم باشد. بنابراین باید این دو فعل را بر معنای مجازی آنها حمل کنیم.
۳. آیاتی که در آنها کار برخی از پدیده های جهان به خود آنها نسبت داده شده در حالی که آنها هرگز صاحب اختیار نیستند و آن کارها را خداوند انجام می دهد، مانند: «وَتَسْبِرُ الْجِبَالُ سَبْرًا» (طور، ۱۰)، «تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُحَانٍ مُّبِينٍ» (دخان، ۱۰).
۴. کلماتی مانند «ید» در آیه «يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ» (فتح، ۱۰) و «وجه» در آیه «وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ» (رحمن، ۲۷) و «اعمی» در آیه «وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَى فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَى» (اسراء، ۷۳) و «نسلخ» در آیه «وَ آيَةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ» (یس، ۳۷) به صورت مجاز لغوی به کار رفته و این الفاظ نه به معنای حقیقی و ظاهری خود بلکه به معنای دیگری است که با موقعیت کلمه در آن جمله سازگار است؛ به این ترتیب: «ید» به معنای قدرت، «وجه» به معنای ذات، «اعمی» به معنای کوری باطنی و «نسلخ» به معنای درآوردن. در حالی که معنای حقیقی این الفاظ به ترتیب عبارتند از: «ید» به معنای دست، «وجه» به معنای صورت، «اعمی» به معنای کور، «نسلخ» به معنای کندن پوست.
- آنچه گفتیم نمونه هایی از مجازهای عقلی و لغوی در آیات قرآن بود. در بخش بعدی، به خواست خدا، این موضوع را به صورت مستقل و دسته بندی شده پی خواهیم گرفت.